



مدد حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
 همایون مافی، مرتضی پورعزیز
 بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
 آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
 هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
 هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
 تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نوپهور
 سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
 وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
 سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
 تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
 احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
 تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
 ایرج مروتنی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
 لزوم جرم‌انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
 مهدی رجائیان، شادی چگینی
 ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
 امیرحسین ابوالحسنی، ستار فخرایی، زینب قادری
 واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
 حجت اله دهقانی
 سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
 سیدحجت الله علم الهدی، محمد مهدی اسدی
 اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
 محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
 واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
 سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
 بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
 علیرضا باقری حسن آبادی
 مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
 ایوب رحیمی
 مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
 احمدرضا سلطانیان
 مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
 جیران ابراهیمی
 سیاستگذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
 محبوبه طالبی رستمی
 تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
 وحید کیومرثی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
 مهدی قره داغی، مسعود سرفرازی صالح
 مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
 حبیب اله عبدالله پور، حمیدرضا نام آور
 تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
 جواد چراغی
 تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
 محمد احمدی
 مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
 جواد دشتیان
 قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
 علی باباپور همراهلو، پویا بنی هاشم
 مالکیت و بهره‌برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
 احمد پدیدار، یاسر صیادپور
 حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
 عارفه قاسم زاده ده آبادی
 بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی.)
 علی زارعی جلال آبادی
 نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
 علیرضا درائی
 شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکیه‌گری در زاهدان
 محمدکمال دادرسی
 مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
 علی فراحی
 تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
 رامهر رحمانی گل افشان
 مروری تاریخی بر جرم‌انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
 یاسر شاکری



Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings

مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی

Ali Farahi

Master of Science in Private Law, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

علی فراچی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران
farahi.ali001@gmail.com

Abstract

This study examines the issue of civil liability of the state for damages caused by delayed proceedings. A study of civil liability of the state in the legal system of the Islamic Republic of Iran shows that despite the provisions of laws that accept the responsibility of the state based on theories of fault or risk, in many cases this is a legal problem or a vacuum. The fragmentation of laws, case-by-case examination of civil liability of the state, the discrepancy of principles of liability, as well as the absence of precise executive solutions and the lack of uniformity in similar cases, including liability caused by the fault of judges, armed forces and other government employees. The results of this study showed that one of the duties of the state is to provide judicial services with reasonable and normal speed. Many governments have failed to meet this need of citizens of the society, and for this reason, delay is one of their chronic problems in governance. Delayed proceedings have harmful effects on litigants and directly cause them harm. One of the reasons for the delay in the proceedings is the government's indiscretion in the administration of judicial affairs and mistakes in the judicial process. As a result, the present study, using a descriptive-analytical method, claims that Considering the change in the principles of state responsibility and the replacement of the principle of state responsibility with the principle of immunity, many of the losses resulting from the delay can be attributed to the government.

Keywords: Civil Liability, Damage, Delay in Proceedings.

چکیده

این پژوهش به بررسی موضوع مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات ناشی از اطلاع دادرسی می‌پردازد. بررسی مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که به‌رغم پیش‌بینی مواردی در قوانین که مسئولیت دولت را بر اساس نظریه‌های تقصیر یا خطر پذیرفته است در بسیاری از موارد این یک مشکل قانونی یا خلاء است. پراکندگی قوانین، بررسی موردی مسئولیت مدنی دولت، مغایرت اصول مسئولیت و همچنین عدم وجود راهکارهای اجرایی دقیق و عدم یکسان‌سازی در موارد مشابه از جمله مسئولیت ناشی از تقصیر قضات، نیروهای مسلح و سایر کارکنان دولت است. نتایج این پژوهش نشان داد که یکی از وظایف دولت ارائه خدمات قضایی با سرعت معقول و عادی است. بسیاری از دولت‌ها نتوانسته‌اند این نیاز شهروندان جامعه را برآورده کنند و به همین دلیل تعلل یکی از مشکلات مزمن آن‌ها در حکمرانی است. اطلاع دادرسی آثار زیانباری برای اصحاب دعوا دارد و مستقیماً به آن‌ها خسارت وارد می‌کند. یکی از دلایل تأخیر در رسیدگی، بی‌تدبیری دولت در اداره امور قضایی و اشتباهات در روند قضایی است. در نتیجه پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ادعا می‌کند که با توجه به تغییر اصول مسئولیت دولت و جایگزینی اصل مسئولیت دولت با اصل مصونیت، می‌توان بسیاری از زیان‌های ناشی از تأخیر را بر عهده دولت دانست.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، خسارت، اطلاع دادرسی.

Received: 2025/10/21 - Review: 2025/10/24 - Accepted: 2025/12/08

درافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۲۱ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۰۸

ارجاع:

فراچی، علی؛ (۱۴۰۴)، مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطاله دادرسی، تمدن حقوقی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

مراجع مسئولیت مدنی دولت بدون شک یکی از مهم‌ترین بخش‌های حقوق اداری است. در نتیجه، یکی موظف است خسارتی را که به دیگری وارد کرده جبران کند. یکی از تأثیرات حاکمیت قانون در اعمال قدرت، مسئولیت دولت در قبال ضررهایی است که از طریق آن به دیگران وارد می‌کند و ریشه در فرهنگ دینی و فلسفی ما دارد. مفهوم آن این است که هر کس پرچم قدرت را در دست دارد مسئولیت نیز دارد. البته لازم به ذکر است که پیشینیان حکومت را به قدری مقدس می‌دانستند که حاکمان را از هر گونه مسئولیتی معاف می‌کردند و البته هیچ باری بر دوش دولت برای ایجاد مراجع مسئولیت مدنی نبود. از آن جایی که هدف اصلی قواعد و اصول مسئولیت مدنی، جبران خسارت زیان دیده و ترمیم خسارت است، دولت نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. به‌ویژه با توجه به نقشی که دولت‌های امروزی در جامعه ایفاء می‌کنند و بر همین اساس در تمامی امور اجتماعی مداخله همه‌جانبه می‌کنند، تا جایی که برخی معتقدند این ماشین عظیم که خود را دولت می‌نامد، صدها برابر توانمندتر و خطرناکتر است. این بیش از یک ماشین صنعتی است، بنابراین اگر به کسی آسیب می‌زند باید جبران کند. از سوی دیگر، برای این که بتوان اصول و قواعد مسئولیت را برای جبران خسارات وارده از سوی دولت اعمال کرد، به مراجع رسیدگی ویژه‌ای نیاز است که صلاحیت رسیدگی به این مهم را داشته باشند.

یکی از شروط مهم برخورداری از حق دادرسی عادلانه رسیدگی به دعاوی و شکایات و صدور رأی در اسرع وقت است. اگر بدون دلیل موجه و قانونی، رسیدگی به دعوا به تأخیر بیفتد، قطعاً بر اساس یک دادرسی سالم و عادلانه خسارت وارد می‌شود، حتی اگر حکم در نهایت به نفع صاحب حق صادر شود. اطلاع دادرسی علاوه بر این که مردم را نسبت به قوه قضائیه بدبین می‌کند، جنبه بازدارندگی مجازات را به دلیل فاصله بین ارتکاب جرم و اعمال مجازات کاهش می‌دهد.

عوامل متعددی در کاهش مدت زمان رسیدگی نقش دارند. نقش عوامل انسانی در انجام وظایف و امور محوله به هر نهادی انکارناپذیر و آشکار است. ارتقای سطح علمی قضات در موضوعات و جنبه‌های مختلف و آشنایی بیشتر آنان با قوانین و رویه‌های مرتبط با مسائل قضایی به ویژه موضوعات جدید، یکی از راهکارهایی است که امروزه با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تکنولوژیکی می‌تواند در کاهش اطلاع دادرسی بسیار کمک‌کننده باشد. فضای مجازی و به تبع آن افزایش جرائم سایبری و جرائم سایبری، افزایش آگاهی قضات در این حوزه‌ها از طریق آموزش‌های لازم در دوران تحصیل و نیز دوره‌های کارآموزی و ضمن خدمت، می‌تواند به این موارد رسیدگی بهتری داشته باشد. علاوه بر قضات، کادر اداری قوه قضائیه نیز در صورت آشنایی با مسائل حقوقی، بدون شک در تنظیم و ثبت پرونده‌ها راندمان اصولی‌تری خواهند داشت و از مشکلات کاسته می‌شود که به نوبه خود موجب تأخیر در رسیدگی می‌شود. اصحاب دعوا می‌توانند در روند دعوا بسیار تأثیرگذار باشند.

با توجه به این که یکی از مهم‌ترین مشکلات طولانی شدن دعوا در کشور ما عدم آگاهی شهروندان، مردم و مراجعین در محاکم قضایی از اصول حقوقی و قضایی است، می‌توان به رسانه‌های گروهی از جمله شبکه‌های تلویزیونی، مجلات، روزنامه‌ها و غیره کمک کرد سطح آگاهی عمومی را در این زمینه بالا برد و در کنار این عوامل فرهنگ استفاده از وکیل در پرونده‌های کیفری می‌تواند در تشکیل پرونده طبق قانون مؤثر باشد و برای جلوگیری از اطلاع دادرسی، قانون ما الزامی ندارد.

۱- مسئولیت مدنی دولت

مسئولیت در عرف مردم ما به این معنا است که انسان باید پاسخگوی اعمال خود باشد، چه این پاسخگویی

در پیشگاه خداوند و با وجدان او باشد و چه در مقابل دیگران. در این صورت ما با مسئولیت اخلاقی مواجه خواهیم شد، اما همان مسئولیت اگر طبق قانون و مقررات باشد و حقوق موضوع تضمین می‌شود مسئولیت قانونی متجلی می‌شود. مسئولیت حقوقی به مسئولیت کیفری و مدنی و مسئولیت مدنی به مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیرقراردادی تقسیم می‌شود. مسئولیت مدنی به معنای خاص آن فقط شامل مسئولیت غیرقراردادی می‌شود. نظریه پردازان حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی، فایده اجتماعی، پست مدرنیسم و دکترین حکمرانی خوب تلاش‌های تاریخی برای کاهش قدرت دولت و توازن قدرت بین ملت و دولت انجام داده‌اند (زرگوش، ۱۴۰۳، ۳۱).

به‌طور کلی، پذیرش نظریه مسئولیت مدنی نظریه جدیدی است زیرا تا نیمه اول قرن نوزدهم میلادی اکثر کشورهای جهان دولت را پاسخگو نمی‌دانستند و این بی‌مسئولیتی را نتیجه منطقی اصل حاکمیت دولت می‌دانستند. به عبارت دیگر، فقها معتقد بودند که اصل حاکمیت مطلق دولت در مقابل جبران خسارت است و دولتی که در همه امور دارای حاکمیت مطلق است، نمی‌تواند و نباید نسبت به آن چه به نام حاکمیت انجام می‌دهد پاسخگو باشد. از این رو، دولت نقش ناظر و پاسبان داشت و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی او محدود بود. قابل قبول بود زیرا به دلیل عدم مداخله در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، امکان ایجاد خسارت کم بود، اما با توسعه مداخله دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و با مفاهیم جدیدی که حاکمیت دولت در ابعاد اقتصادی و سیاسی یافت، نظریه قبلی قابل قبول نیست و دولت مانند هر شخص حقوقی یا شخص حقیقی دیگری مسئول خساراتی است که به افراد وارد می‌کند.

در خصوص پذیرش اصل مسئولیت دولت باید اشاره کرد دخالت بیش از حد دولت در امور اجتماعی و اقتصادی و ابزارهای فراوانی که دولت برای اجرای برنامه‌های خود به کار می‌گیرد، موجب آسیب به افراد می‌شود. این خسارات را باید با توسعه بیمه، بیمه نمودن بسیاری از افراد و مؤسسات خصوصی برای جبران خسارتی که به افراد وارد می‌کنند، از قبل جبران کرد. به‌عنوان مثال، می‌توان به بیمه خودرو یا بیمه اجتماعی و همچنین ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اشاره کرد که کارفرمایان را موظف می‌کند کلیه کارگران و کارکنان اداری خود را در برابر خسارت وارده به اشخاص ثالث بیمه کنند. علاوه

بر این، قانون مدنی بسیاری از کشورها از جمله قانون مدنی ایران، تسهیلاتی را برای جبران خسارت قربانیان در نظر گرفته است (آقایی و صداقتی، ۱۳۹۰، ۵۰).

همچنین، بسیاری از حقوقدانان بر این باورند که اصل مسئولیت دولت می‌تواند بر اصل تساوی افراد نسبت به مالیات و هزینه‌های عمومی استوار باشد و فعالیت‌ها و اقدامات سازمان‌های اداری در جهت مصالح عمومی انجام می‌شود. هرگاه این فعالیت‌ها باعث آسیب به افراد معدودی شود، عادلانه نیست که فقط تعداد محدودی آسیب ببینند و قربانی شوند، اگرچه عدالت و انصاف حکم می‌کند که آسیب بین همه افراد جامعه توزیع و توزیع شود.

در کشور ما ایران نیز مانند سایر کشورها مسئول دولت جدید است، زیرا قبل از ایجاد مشروطه، دولت مالک جان و مال مردم بود و در مقابل خساراتی که از دولت به افراد وارد می‌شد دولت به هیچ وجه خود را مسئول نمی‌دانست و افراد نمی‌توانستند مطالبه غرامت کنند. مقامات کشور معتقد بودند که دولت مصونیت دارد و نمی‌توان او را به‌خاطر اقداماتش تحت تعقیب قرار داد. پس از تدوین قانون اساسی و سایر قوانین، موضوع مسئولیت مدنی دولت کاملاً مسکوت ماند و افراد همچنان نمی‌توانستند از حقوق خود بر اساس قوانین آن زمان استفاده کنند. زیرا اگرچه مسئولیت دولت به دلیل خساراتی که کارکنان به کارگران و افراد وارد کرده‌اند با قوانین مربوطه کشورمان بیگانه نبوده است و اساس این تصور بر این است که یک نفر را مسئول اشتباه و کار خود بدانیم.

ماده ۳۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر یکی موجب ضرر مالی شود و دیگری مدیر تلف مال شود مدیر مسئول است نه علت مگر اینکه تلف مال باشد». اما ابهام این ماده و نواقص موجود در آن باعث شده بود که محاکم کشورمان در این مورد برخوردی بسیار محتاطانه داشته باشند، به‌طوری که دامنه تفسیر قضات محدود به رابطه افراد با دولت است، یعنی در روابط غیرقراردادی دولت آرای کمتری به دولت داده شد. این یکی از ایرادات مهم قوانین ما بود تا این که در سال ۱۳۳۹ قانون مسئولیت مدنی به تصویب رسید که بر اساس آن مسئولیت مدنی دولت تشریح و به تصویب رسید.

مقاماتی که طبق قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ برای سازمان‌های اداری و کارکنان آن‌ها شناخته

می‌شوند، بر اساس نظریه تقصیر هستند، یعنی سازمان زمانی مسئول شناخته می‌شود که در انجام اعمال خود مرتکب تقصیر شده باشد. استثنائاً خساراتی که ناشی از تقصیر نباشد نیز قابل جبران است، یعنی در موارد استثنایی مبنای مسئولیت دولت مبتنی بر نظریه‌هایی غیر از تقصیر قرارداد است و به همین دلیل به آن مسئولیت بدون عیب یا مسئولیت ناشی می‌گویند. بر اساس این نظریه تقصیر شرط ایفای مسئولیت رابطه است، اما به محض این که ثابت شود ضرر نتیجه مستقیم و منطقی فعل زیانبار است، یعنی رابطه علت و معلولی وجود دارد.

۲- مفهوم حکومت

می‌توان گفت اشخاص حقوقی حقوق عمومی را باید از هدف خود شناخت زیرا هدف این گونه اشخاص ارائه خدمات عمومی است و برخی معتقدند که اشخاص حقوقی به وسیله حقوق عمومی ایجاد می‌شوند و از بودجه عمومی استفاده می‌کنند و زیر نظر شخصیت حقوقی حکومت فعالیت می‌کنند (ابوالحمد، ۱۳۸۸، ۲۵). اما وزارتخانه‌ها و نهادهای وابسته به آن‌ها شخصیت حقوقی مستقلی ندارند، بلکه همه آن‌ها از اجزای شخصیت حقوقی دولت هستند و فعالیت آن‌ها به هیئت دولت محول می‌شود. مؤید این واقعیت است که در هیچ یک از قوانینی که وزارتخانه‌های مختلف تشکیل شده‌اند، شخصیت حقوقی این وزارتخانه مشخص نشده است (ابوالحمد، ۱۳۸۸، ۳۰).

به نظر می‌رسد، بهترین معیار برای تشخیص اشخاص حقوقی حقوق عمومی این است که این گونه اشخاص برای کارهای عمومی و بر اساس قانون تأسیس شده و بودجه آن‌ها از سوی دولت تأمین شود. البته لزومی ندارد که این بودجه در قانون بودجه عمومی در فصلی جداگانه تعیین شود، کافی است دولت^۱ سرمایه گذار اصلی چنین نهادی باشد تا سازمان عمومی محسوب شود.^۲

۳- ویژگی‌های مسئولیت مدنی دولت

با توجه به این قاعده منطقی که هر کس به دیگری ضرر برساند باید متحمل ضرر شود، اکثر قانونگذاران

۱- به معنای خاص

۲- به معنای خاص

دنیا در بحث مسئولیت مدنی مواردی را در قوانین اولیه خود پیش‌بینی کرده‌اند. اسلام و به‌ویژه فقه جعفری در این زمینه رساله‌های متعددی گردآوری کرده است. جلد حقوق مدنی ایران که در فصل دوم از جزء دوم تحت عنوان در مقتضیاتی که بدون عقد حاصل می‌شود، اصول تلف و نسبت بحث می‌کند، چون بحث خاصی دارد و علاوه بر ماده‌های ۳۲۸ تا ۳۳۵ قانون مزبور برای جبران خسارت زیان دیدگان اسنادی را تنظیم کرده است و اگر در اثر عمل دیگری به مرتکب خسارت وارد شود زیان دیده می‌تواند از طرف مقابل مطالبه خسارت کند بدون نیاز به اثبات وجود عقد. با استناد به مفاد ماده‌های ۳۰۱ تا ۳۳۷ قانون مذکور، ممکن است قانون مدنی تحت تأثیر فقه امامیه، اصل ضرروزیان را تنظیم و تبیین کرده باشد.

ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به‌طور کلی بیان می‌کند که هر کس بدون اجازه قانونی یا در اثر سهل‌انگاری به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده و موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل آن است. این قاعده کلی اولین ویژگی مسئولیت دولت یعنی اختیارات فرد که مبنای مسئولیت کیفری و اخلاقی است در نظر گرفته نمی‌شود. در مسئولیت‌های اخلاقی، وجدان به میزان اختیارات مجرم مجازات می‌شود، اما در حقوق اداری، مسئولیت دولت مبتنی بر حاکمیت و عدم حاکمیت نیست و ممکن است دولت بدون تقصیر مسئول خسارات وارده به افراد باشد.

این مسئولیت خارج از محدوده تعهدات قراردادی و شبه قراردادی است. زیرا اگر ضرر ناشی از قرارداد و چگونگی پیش‌بینی آن در قرارداد باشد، در مسئولیت و جبران آن مشکل چندانی وجود ندارد و حتی ضررهای ناشی از شبه قرارداد را می‌توان به‌عنوان مسئولیت و جبران خسارت تعیین کرد، مانند ضرروزیان به بیماران به دلیل عدم مراقبت و مراقبت پزشکی بیمارستان مسئول جبران خسارت است. این مسئولیت می‌تواند مربوط به قوه حاکمه و قوه قضائیه و قوه مقننه، مجریه و قضائیه باشد. (ابوالحمد، ۱۳۸۸، ۴۰). از جهاتی ممکن است مجلس یا دولت یا دادگاه‌ها تصمیماتی بگیرند که به افراد آسیب می‌رساند. قابلیت تعمیم به سایر اشخاص حقوقی و تشخیص آن‌ها به‌عنوان مسئول یا غیرمسئول با توجه به شرایط.

تشخیص مسئولیت دولت از قواعد عادی قانون مدنی که بین افراد حاکم است پیروی نمی‌کند، بلکه مبتنی بر قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است و به عبارت دیگر مسئولیت‌های غیرقراردادی در قانون مدنی است. بر اساس دو قاعده تلف و تسویه، مبنای جبران خسارات غیرقراردادی است، اما قانون

مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ بدون نسخ این دو قاعده، در عمل جایگزین آن‌ها شده است، زیرا اولاً، قانون مدنی برای استیفای حق خود به این قانون تمسک کند و ثانیاً دو قاعده ضرروزیان بیشتر در حوزه حقوق خصوصی است تا حقوق عمومی (ابوالحمد، ۱۳۸۸، ۶۳).

مسئولیت دولت ناشی از فعال بودن یا ترک اقدامات کارگزاران و واحدهای دولتی است اعم از این که حدود اختیارات و وظایف با سازمان‌های دولتی مطابق با اساسنامه و مقررات داشته باشند، مگر این که کارگزاران یا واحدهای دولتی اعمالی را انجام دهند که برخلاف مقررات باشد یا از حدود اختیارات فراتر رود. مسئولیت بر عهده دولت است. یا بالعکس، اگر سازمان‌های دولتی که متولی امور اداری هستند و از انجام وظایف خود امتناع ورزند، موجب ضرروزیان اشخاص شوند، دولت مسئول ترک مسئولیت خواهد بود.

۴- عوامل مسئولیت مدنی دولت مستند به تأخیر دادرسی

۴-۱- مسئولیت

مسئولیت یعنی پاسخگو بودن و مکلف بودن به انجام کاری که ممکن است خلاف وجدان، خدا، جامعه یا دادگاه باشد. مسئولیت رابطه‌ای است که از فعل یا ترک فعل زیان آور ناشی می‌شود و در برابر مسئولیت اخلاقی به کار می‌رود. مسئولیت حقوقی به معنای عام دارای سه شاخه است: مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری و مسئولیت انتظامی. مسئولیت غیرقانونی شامل مسئولیت اخلاقی و مسئولیت اجتماعی است که ما به آن‌ها توجه نمی‌کنیم. مسئولیت مدنی عبارت است از «مجموعه قوانینی که واردکننده را ملزم به جبران خسارت زیان دیده می‌کند». از منظر دیگر، در هر موردی که شخص مجبور به جبران خسارت دیگری شود، گفته می‌شود که در مقابل او مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ۳۴).

مسئولیت مدنی به دو دسته مسئولیت مدنی قراردادی و مسئولیت مدنی غیرقراردادی تقسیم می‌شود. مسئولیت مدنی به معنای خاص همان مسئولیت غیرقراردادی است و در جهت عرف به کار می‌رود. در این مسئولیت، نقض قرارداد نیست، بلکه نقض مقررات و تعهدات قانونی است که موجب مسئولیت می‌شود. مسئولیت مدنی دولت مفهوم خاصی است که از نظر دامنه، ماهیت و قواعد آن، اعم از این که تابع قواعد حقوق عمومی باشد یا حقوق خصوصی، متفاوت است.

۴-۲- مصونیت

مصونیت به معنای امن و امان بودن است و در اصطلاح حقوقی به معنای معاف بودن از برخی وظایف و برخورداری از حمایت‌های خاص است. این مصونیت برای دولت است و مقامات دولتی که نماینده دولت هستند از آن برخوردارند. در عصر کنونی حرکت از مصونیت به مسئولیت دولت‌ها است. این تغییرات در حقوق ایران نیز به خوبی قابل مشاهده است. مصونیت ممکن است ماهیت شغلی یا در مواجهه با مسئولیت کیفری، ماهیت مدنی یا انضباطی داشته باشد.

منظور از ایمنی شغلی ممنوعیت تغییر سمت یا محل خدمت یا اخراج است. اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این نوع مصونیت دلالت دارد. مصونیت کیفری به معنای عدم اعمال قوانین جزایی به طور مطلق یا جزئی در مورد برخی افراد است که خود به دو دسته مصونیت ماهوی و تشریفاتی تقسیم می‌شود. مصونیت ماهوی به این معنا است که شخص را نمی‌توان تحت تعقیب قرار داد، صرف نظر از این که در شرایط عادی جرم محسوب می‌شود. مثل مصونیت یک نماینده مجلس شورای اسلامی از اظهاراتش در مقام نمایندگی. مصونیت تشریفاتی به این معنا است که شخص قابل مجازات است ولی تعقیب او مشمول قاعده کلی نیست و تشریفات خاصی دارد مثل تعقیب قضات. مصونیت مدنی به این معنا است که افراد در صورت آسیب رساندن به دیگری هیچ گونه مسئولیت مدنی ندارند و مسئولیتی در قبال خسارت ندارند مانند مصونیت قاضی در صورت اشتباهات قضایی. دلایل تعیین مصونیت برای برخی مشاغل متفاوت است. مصالح نظم عمومی و تضمین استقلال قاضی از اصول مسئولیت قضایی است.

۵- اصول مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات ناشی از تعلل

تعلل در اصطلاح به معنای طولانی شدن و به تأخیر انداختن دادرسی و قضاوت است. در ادبیات حقوقی ما تعریفی برای آن وجود ندارد. اصطلاح تعویق و تأخیر نیز برای طولانی شدن روند رسیدگی به کار می‌رود. با توجه به این که زمان معقولی برای دادرسی عادلانه لازم است، هرگونه تأخیر در رسیدگی را نمی‌توان نامشروع دانست. در رویه قضایی برای مواردی که استفاده از زمان و طول دادرسی به دلایل

معقول و قانونی باشد از تعویق دادرسی استفاده می‌شود اما برای موارد غیرقانونی از تمدید جلسه استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، از تأخیر دادرسی مفهوم منفی استنباط می‌شود.

یکی از اصول مسلم دادرسی اصل سرعت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۳۳۲). اصل سرعت به معنای عجله نیست. تعادل در گذران وقت از وظایف قاضی است و غلو در این امر عین عجله است. شتاب زدگی صفت بدی است اما «سرعت خلاف صحت» خوب است نه عجله که موجب تضییع حقوق دیگران می‌شود.

زیاده روی در دعوا همان تعلل است، بنابراین می‌توان آن را «طول غیرطبیعی و غیرمنطقی روند قضایی یک پرونده یا اختلاف از ابتدای دعوا تا صدور رأی» تعریف کرد. وظیفه قاضی اداره آن در چهارچوب اصول دادرسی است و زمان صرف شده باید مطابق جهت و موازین دادرسی باشد. علل معقول اهمال کاری به دو صورت طبقه بندی می‌شوند. علل انسانی و علل قانونی. در صورت اول، دست اندرکاران به صورت فعل یا ترک فعل در ایجاد یا تشدید اطاله دادرسی مؤثرند و در صورت دوم، هرچند در تأخیر ظاهری موجه داشته باشند آن‌ها غیرمنطقی هستند. قوانین ناکارآمد، پیچیده و قدیمی یکی از دلایل تأخیر در دعاوی است. بنابراین، علل انسانی به دولت و غیر اصحاب دعوا نسبت داده می‌شود که برای کارفرمای بزرگ^۳ مسئولیت ایجاد می‌کند.

۵-۱- اصول فقهی

در شرع، وظیفه قاضی به قضاوت منحصر به زمان و فوریت نیست. زیرا شرح مهلت نیاز به توضیح دارد و در جایی مشخص نشده است، اما برخی گفته‌اند اگر یکی از طرفین از نظر تأخیر در قضاوت ضرری داشته باشد، در صورت عدم عذر، قاضی مکلف است سریعاً اقدام کند (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲، ۳). در مورد حدود گفته شده است که حضور شهود برای شهادت بر زنا در صورت غیبت برخی از آن‌ها دلیل بر ادعا نیست و حد بر شهود حاضر که ناکافی هستند جاری می‌شود. یکی از اصول این فتواها و نصوص، نهی از تأخیر و مسئولیت حکومت در تسریع در رسیدگی است. البته در فتوای اول، مبنای مسئولیت، قاعده واجب

است و در صورت دوم، خاص بودن حق خداوند و عدم دستور بازرسی و صرف وقت در آن. در فقه اهل سنت نیز آمده است که در محاکمه قضایی توسط قاضی اگر ضرری به دلیل تأخیر وارد شود، باید سریعاً رسیدگی شود (ماوردی، ۱۳۸۳، ۱۹۶).

ضمانت اجرای تخلف از تکلیف فوری در دادرسی، ایفای مسئولیت قاضی است و اگر غیر از این باشد، فتوا بر آن نافذ نخواهد بود. در مورد مسئولیت مدنی قاضی ناشی از اشتباه ماهوی، نصوص معتبری وجود دارد، اما در مورد اشتباهات شکلی که موجب ضرر اصحاب دعوا شود از جمله تعلل و ضرر مادی و معنوی ناشی از آن، نص صریحی نداریم. از سوی دیگر، با استناد به قواعد دیگری از جمله قاعده لاضرر، قاعده سبب و قاعده تلف می‌توان استنباط کرد که حتی اگر قاضی موجب ضرر یکی از اصحاب دعوا شود باید جبران کند. مشهور فقها معتقدند که برای اشتباه قاضی در اموالی مانند غیرمال^۴، بیت المال ضامن جبران خسارت است. حتی گفته‌اند وقتی قاضی ضمان قطع دست و قتل ندارد، به طریق اولی ضامن مال نیست (حسینی روحانی، ۱۴۳۵ق، ۶۸).

۵-۲- منابع قانونی

در نظام‌های حقوقی معاصر اصول مختلفی برای مسئولیت مدنی دولت طراحی شده است که بهترین و رایج‌ترین آن‌ها نظریه تقصیر است. یعنی اگر دولت در انجام وظایف خود کوتاهی کند، ضامن است. نظریه خطر، ضمان حقوق و مختلط در موضوعات مختلف، مبنای محکم‌تر و آسان‌تری برای تحقق مسئولیت مدنی مرتکب فعل زیان‌آور بوده است. پس از کاهش مصونیت و قداست دولت‌ها، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر اولین اصل مسئولیت دولت در قبال رفتار کارکنان خود بود (غمامی، ۱۳۷۶، ۲۳).

بر این دیدگاه انتقاداتی وارد است، از جمله این که مفهوم تقصیر دارای ابهام است و مرز دقیقی بین تقصیر اداری و شخصی وجود ندارد. اثبات تقصیر دولت مشکل است و به دلیل پیچیدگی کار اداری نمی‌توان تقصیر کارمند دولت (قاضی) را ثابت کرد و در نهایت بسیاری از اشتباهات بدون ترمیم باقی می‌ماند. به دلیل همین نتایج بود که ایده‌های جدیدتری برای دولت در رابطه با خدمات دولتی خود از

جمله مسئولیت مستقیم دولت شکل گرفت. خسارت وارده از سوی مقصر ناشی از عدم برنامه‌ریزی و عدم دقت دولت در انتخاب و نظارت بر عملکرد وی است. برخی از موافقان معتقدند که حمایت از حقوق شهروندانی که از اقدامات یک کارمند دولت آسیب دیده‌اند مستلزم انتخاب آسان‌ترین راه برای جبران خسارت است که مسئولیت مستقیم آن بر عهده دولت است (غمامی، ۱۳۷۶، ۴۳).

نظریه دیگری که مبتنی بر مسئولیت است، نظریه برابری شهروندان در برابر هزینه‌های عمومی است. بر اساس این نظریه، همه شهروندان به یک اندازه مسئول هزینه‌هایی هستند که دولت برای تأمین منافع و نظم عمومی هزینه می‌کند. این دیدگاه مکمل تئوری‌های تقصیر و خطر تلقی می‌شود و هر جا آسیبی به اداره وارد شود که با این نظریه‌ها قابل جبران نباشد می‌توان از مبنای برابری شهروندان در برابر هزینه‌های عمومی یا برابری مالیاتی شهروندان استفاده کرد. در صورتی که به دلیل اعتراض کارگران اجرای حکم دادگاه به تعویق بیفتد یا محقق نشود، با استناد به این نظریه می‌توان خسارت محکوم علیه را جبران کرد. عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که سوءاستفاده از حقوق فردی به‌عنوان تضییع حقوق جمعی تعبیر نشود (غمامی، ۱۳۷۶، ۴۷).

نتیجه

نتایج این پژوهش نشان می‌دهند یکی از علل و عوامل تعلل به دولت و کارمندان مربوطه دولت نسبت داده می‌شود. از آن جایی که قاضی دارای جایگاه ویژه قضایی است، از مسئولیت مدنی مصون نیست و اقتدار و حیثیت وی نباید او را از جبران خسارت اعمال نابخردانه خود معاف کند. همچنین، برای اثبات تقصیر قاضی در اطلاع دادرسی، ادعای خسارت ناشی از اطلاع دادرسی علیه وی مسموع است. نکته مهم این است که با توجه به وضعیت فعلی نظام حقوقی کشورمان، سازوکارهای موجود برای جبران حقوق قربانیان تأخیر کافی نیست. با توجه به توسعه روزافزون مسئولیت مدنی دولت در زمینه‌های مختلف، بازنگری جدی در احیای این حق شهروندی یعنی خدمات قضایی باید با سرعت معقول مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین، راه‌های جبران خسارت را می‌توان به دو حالت ممکن پیش از ختم دادرسی معترض و بعد از ختم دادرسی معیوب تقسیم کرد. روش دعوی مسئولیتی در قبال خسارات ناشی از اطلاع دادرسی که یک

رسیدگی قضایی صرف است ندارد. بنابراین، تعیین مرجع شبه قضایی خارج از قوه قضائیه مرکب از اعضای سه قوه در بالاترین رده به همراه تأمین وجوه جبرانی ویژه یا پرداخت خسارت از طریق بیمه شغلی قضات، تضمین بهتری برای جبران خسارت آسیب دیدگان این پدیده است.

پیشنهاد

دادگاه‌ها به گونه‌ای تخصصی شوند که هر شعبه فقط به چند جرائم خاص و مرتبط رسیدگی کند. گسترش مراجع شبه قضایی برای رسیدگی به دعاوی و کاهش حجم پرونده‌ها در محاکم و تشکیل مراجع ویژه صلح و سازش به‌ویژه در جرائمی مانند قتل عمد. تصویب مقرره‌ای برای کلیه ادارات و ادارات دولتی، مؤسسات عمومی، مراجع غیردولتی و خصوصی و کلیه ارگان‌های مرتبط با محاکم دادگستری و تعیین مهلت معقول مثلاً ده روز برای پاسخگویی به استعلامات و در نظر گرفتن ضمانت اجرایی قوی عدم پاسخگویی به موقع. اختصاص شبکه تخصصی به‌عنوان رسانه ملی به قوه قضائیه با هدف ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی مردم نسبت به مسائل حقوقی و قضایی و پاسخگویی به سؤالات آنان در این زمینه‌ها.

منابع

فارسی

- آقایی، فیض اله و صدافتی، سهام، ۱۳۹۰، زمینه‌های آسیب‌پذیری آراء قضایی، **مجله پیام آموزش**، شماره ۴۹.
- ابوالحمد، عبدالحمید، ۱۳۸۸، **حقوق اداری ایران**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات توس.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۴، **دائرة المعارف علوم اسلامی قضایی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- زرگوش، مشتاق، ۱۴۰۳، **مسئولیت مدنی دولت**، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- غمامی، مجید، ۱۳۷۶، **مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۲، **الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- ماوردی، علی بن محمد، ۱۳۸۳، **آیین حکمرانی**، ترجمه حسین صابری، چاپ اول، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

عربی

- حسینی روحانی، سید محمد صادق، ۱۴۳۵ق، **فقه الصادق**، چاپ اول، قم، انتشارات آیین دانش.

- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۳۹۲، **العروه الوثقی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دینا.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaeian, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhrzai, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumars
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibollah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri